

زخمی‌اروپایی‌ها زخم خورده روس‌ها

طرح توسعه میدان نفتی آذر با ذخیره نفت درجای ۲۹ میلیارد و ۴۰۰ میلیون بشکه درحالی افتتاح شد که برآورد می‌شود برای ۴۰ سال حدود ۴۰۰ میلیون بشکه نفت تولید کند.

به گزارش سایت خبری پرسون، رضا زندی در یادداشتی نوشت:

حسن روحانی دیروز طرحی نفتی را افتتاح کرد که هم رد نامهربانی اروپایی‌ها را بر چهره داشت هم ناجوانمردی روس‌ها را چشیده و سر آخر هم به دست ایرانی‌ها تکمیل شده بود! آن هم پس از حدود ۲۰ سال! قصه طرح توسعه میدان نفتی آذر، هم عبرت‌آموز است، هم دردآور و هم غرورآفرین. کوتاه برای‌تان تعریف می‌کنم. فعلا به حوالی سال ۱۳۸۰ برویم.

۱- قراردادهای اکتشاف و تولید برای باز کردن پای شرکت‌های نفتی بزرگ غربی به ایران در دولت خاتمی رونمایی شده بود. آن زمان میدان نفتی آذر در قالب بلوک اکتشافی اناران به نروژی‌ها سپرده و بنا شد چنانچه شرکت نورث هیدرو در این زمین‌ها نفت کشف کرد، خودش میدان را توسعه دهد. چاه اول‌شان به نتیجه نرسید، چاه دوم‌شان اما به نفت رسید. برای رسیدن به نفت بیش از ۲۰۰ میلیون دلار هزینه کرده بودند. مذاکرات برای انعقاد قرارداد توسعه با نروژی‌ها حدود دو سال طول کشید. می‌دانید چرا؟ چون نروژی‌ها روی این بند تاکید داشتند که اگر ایران تحریم شود، بتوانند قرارداد را ترک کنند. انگار آینده را می‌دیدند. وقت‌ها تلف شد. تحریم شدیم و نروژی‌ها قرارداد نبسته رفتند. با آنها تفاهم کردیم تا پول‌شان را بعد از توسعه میدان آذر و فروش نفتش پرداخت کنیم. روی نفت بودیم و نفت نداشتیم!

۲- به نیمه دوم دهه ۸۰ رسیدیم. حوالی سال ۸۶-۸۷. روس‌ها وارد میدان شدند. گازپروم نفت شرکت مالزیایی پتروناس را همراه خود کرد و طرح کلی توسعه میدان نفتی آذر را به تهران پیشنهاد داد. تا سال ۸۹ با روس‌ها مذاکره کردیم. آنها سود (ROR) بالایی می‌خواستند. ۲۰ درصد! ایران تا ۱۷،۵ درصد راضی شده بود. ناگهان عراق از قراردادهای ۱۱۰ میلیارد دلاری توسعه میادین نفتش پرده برداشت. عراقی‌ها به ازای تولید هر بشکه نفت ۵ دلار می‌دادند. میدان نفتی آذر هم با عراقی‌ها مشترک بود. در طرف عراقی، «بدرا» نام داشت. حدود سال ۹۰-۸۹، روس‌ها عراقی‌ها را ترجیح دادند و بی‌آنکه قراردادی با ایران امضا کنند، رفتند. زخم‌شان اما این بود که اطلاعات مخزن را هم با خود بردند. این را با استفاده از اطلاعاتی که دیروز کسب کردم، می‌گویم. یک ایده مطرح شد که کل میدان نفتی در طرف ایرانی و عراقی را روس‌ها یکجا توسعه دهند. اما قراردادهای نفتی ایران بیع متقابل بود و قرارداد عراقی‌ها پاداش برای تولید هر بشکه! خلاصه که روس‌ها هم در میدان نفتی آذر پشت ایران را خالی کردند و رفتند.

۳- سال‌های ۹۱-۹۰ زمانی که رکن‌الدین جواد مدیرعامل شرکت ایرانی اوپک بود، پیشنهاد توسعه میدان نفتی آذر توسط اوپک مطرح شد. عراق مشغول توسعه شده بود و ما عقب مانده بودیم. نهایتا قرارداد بیع متقابل توسعه میدان نفتی آذر به کنسرسیومی متشکل از صندوق‌های بازنشستگی و رفاه کارکنان صنعت نفت و شرکت OIEC واگذار شد. وقتی از مجری طرح پرسیدم چرا از سال ۹۱ تا ۹۹ (حدود ۹ سال) طول کشید تا ظرفیت تولید میدان آذر به روزانه ۶۵ هزار بشکه برسد؟! پاسخ داد: «دهه ۸۰ نروژی‌ها هم پروژه را ۶۶ ماهه بسته بودند. (۵/۵ سال). قفل پروژه هم در حقیقت از سال ۹۴ شکسته شد، زمانی که صندوق توسعه ملی، تامین منابع مالی را آغاز کرد!»

۴- دیروز طرح توسعه میدان نفتی آذر با ذخیره نفت درجای ۲۹ میلیارد و ۴۰۰ میلیون بشکه درحالی افتتاح شد که برآورد می‌شود برای ۴۰ سال حدود ۴۰۰ میلیون بشکه نفت تولید کند. فعلا با ۱۹ حلقه چاه تولیدی، ظرفیت تولید نفت روزانه‌اش به ۶۵ هزار بشکه نفت خام مرغوب (سبک با ۳۲ API) رسیده است. این میدان از سال ۹۶ به این طرف مجموعا ۳۶ میلیون بشکه نفت تولید کرده است. پس سرمایه‌گذاری یک میلیارد و ۲۵۷ میلیون یورویی‌اش را بازگردانده است. ایرانی‌ها توانستند این پروژه سخت و پیچیده را در بدترین شرایط تحریم تمام کنند. در استان ایلام.

۵- من با سیاست کاری ندارم. اما ببینید چقدر فرصت سوزانده‌ایم. چقدر درآمد از دست داده‌ایم! هم اروپایی‌ها پروژه‌مان را زخمی کردند و کنار کشیدند و هم روس‌ها زخم زدند و رفتند. ببینید هر کشور چطور به دنبال حداکثرسازی منافع خودش است (که البته طبیعی است). آیا قرار نیست درس‌هایی که می‌گیریم، رشدان دهد؟ به نظرتان نمونه‌های این پروژه‌ها و فرصت‌سوزی‌ها در ایران کم است؟ در بخش‌های دیگر، متخصصان خودش نظر دهند اما ببینید آقایان، همین حالا هم از توسعه‌هایی که باید در صنعت نفت رخ می‌داد بسیار عقب افتاده‌ایم. ایران هم منابع کافی و هم نیروی انسانی قابل برای توسعه را دارد. حتما هم می‌تواند رشد کند و البته روشن است که این همه بستر عاقلانه آینده‌نگر می‌خواهد. یک وقت دیر نکنیم؟ دیر نکرده‌ایم!

منبع: اعتماد